یادداشت

غربی‌ها در پی بازگرداندن اسنپ‌بک

سیدجلال ساداتیان
تحلیلگر مسائل بین‌الملل

غربی‌ها با توجه به تلاشی که کردند تا مساله ایران را با موضوع برجام حل کنند این توقع برآورده نشد؛ یعنی خود آنها انتظارانی هم داشتند و علاوه بر آن خود برجام که عدم دسترسی ایران به سلاح هسته‌ای را در برمی‌گرفت غربی‌ها به دنبال این بودند در آستانه نزاعی که با روسیه بر سر اوکراین پیدا شده و اروپایی‌ها زیان‌کننده این امر هستند مساله انرژی خود را به شکلی حل و فصل کنند که این اتفاق نیفتاد. لذا برجام که حل نشد آنها نتوانستند وضع تحریم کنند و در نتیجه خرید از ایران داشته باشند که ایران با خط لوله گازی که از قبل از انقلاب به سمت ترکیه دارد بتواند بخش عمده‌ای از مشکل نوردآستریم ۱ و ۲ روسیه را که در طی جنگ با اوکراین به مشکل خورده بود را حل و جایگزین کند. لذا پس از آنکه روسیه گاز را روی اروپایی‌ها بست این اثر روانی در اروپا بر جای ماند که هم انرژی در اروپا گران شد و هم بر سایر اقلام تاثیر گذاشت. در نتیجه اکنون اروپایی‌ها حسابی دچار مشکل شده‌اند و نه تنها برای تامین سوخت بلکه با جنبه‌های روانی که مشکلات اقتصادی فراوانی را ایجاد می‌کند توقع نداشتند و انتظار این امر را هم نداشتند که شرایط اینگونه پیش برود. لذا به دنبال این مساله بودند که ایران را از پشت روسیه نیز جدا کنند. در حالی که وقتی برجام حل نشد تبعات و اثرات وضعی این کار به این شکل درآمده که آنها می‌گویند ایران هم پیمان روسیه است، به این کشور پهپاد می‌دهد و در جنگ مشارکت می‌کند و به ما هم سوخت نداده و علاوه بر آن به سمتی حرکت می‌کند که قدرتی اتمی شود. همه اینها دست‌به‌دست هم داده که غربی‌ها بخواهند با ایران برخورد کنند. حال اینکه چگونه برخورد کنند زمینه‌های اسنپ بک را مهیا کنند. حال پرسش این است که اسنپ بک چگونه مهیا می‌شود اینکه در زمان ترامپ وی جنبه حقوقی کار را در نظر نداشت و حتی نتوانست اروپایی‌ها را نیز با خود همراه کند و نتیجه و ماحصل کار این شد که تنها ماند، اما تحریم‌های غیرقانونی وضع کرد و بسیاری از کشورها نیز تبعیت کردند، چراکه منافع اقتصادیشان مطرح بود و این منافع باعث شد که هم شرکت‌های بزرگ و هم دولت‌ها تبعیت کنند و خیلی‌ها با ایران کار نکردند. اما اکنون که آژانس را تحت فشار گذاشتند برای صدور قطعنامه علیه ایران می‌خواهند زمینه را به شکلی مهیا کنند که اگر اسنپ بک را برگردانند و آن ۶قطعنامه برگشت کاملا جنبه قانونی و چارچوب‌دار خود را داشته باشد.

خبر

حشمت!... فلاحت پیشه:

معادلات در اوکراین به شکل دیگری در حال رقم خوردن است

غربی‌ها در هفته‌های اخیر شانتاژ تبلیغاتی وسیعی را علیه ایران کار دیدند و علاوه بر موضوع هواپیمای اوکراینی، بای تهران را به جنگ روسیه و اوکراین باز کردند تا جایی که حتی شایعه حذف ایران از جام‌جهانی نیز مطرح شد. حالا از اوکراین خبر می‌رسد که روسیه در حال عقب‌نشینی از مناطق اشغالی است. برخی تحلیلگران معتقدند این موضوع می‌تواند معادلات بین ایران و غرب را نیز تحت تأثیر قرار دهد. یک تحلیلگر مسائل بین‌الملل درباره میزان تأثیرپذیری معادلات بین ایران و اروپا از تحولات جدید در اوکراین گفت: هرچه در دنیا اتفاق می‌افتد که نام ایران هم در رابطه با آن موضوع مطرح می‌شود، نقص در سیاست خارجی ما را آشکار می‌کند. حشمت!... فلاحت پیشه اظهار کرد: روسیه یکی از مصادیق نقض منشور سازمان ملل متحد را با تجاوز به خاک اوکراین مرتکب شد، الان به گونه‌ای وضعیت را مدیریت می‌کند که کشورهای اروپایی و حتی اوکراین درخواست مذاکره با روسیه را دارند، اما همزمان غربی‌ها ایران را به عنوان متهم این جنگ زیر سوال می‌برند، بدون آنکه ایران نقشی در این جنگ داشته باشد و بهره‌ای از آن برده باشد! این استاد دانشگاه با بیان تأکید کرد: هم اکنون روس‌ها در حال جبران اشتباه خودشان هستند و زلنسکی رئیس‌جمهور اوکراین به‌شدت نگران است در این وضعیت حمایت غرب از او کاهش پیدا کند. وی با اشاره به پیروزی نتانیاهو در سرزمین‌های اشغالی و اکثریت شدن جمهوری خواهان در کنگره آمریکا ادامه داد: این اتفاقات پیام خوبی برای زلنسکی نداشت، لذا شاهد هستیم معادلات در جنگ اوکراین به شکل دیگری در حال رقم خوردن است. در این اوضاع سوال اصلی آن است که چه بر سر منافع ایران خواهد آمد؟ این تحلیلگر مسائل سیاست خارجی با بیان اینکه روس‌ها دارند ساخت موشک را با غرب حل می‌کنند، تأکید کرد: روس‌ها هرگاه احتمال توافق با غرب را ببینند هیچ اهمیتی برای منافع دیگران قائل نیستند. متأسفانه تکرار این اتفاق بسیار محتمل و نزدیک است.

ویژه

افزایش بردسامانه باور ۳۷۳

فرمانده نیروی پدافند هوایی ارتش در آیین شکرگزاری ارتقای سامانه بومی پدافند هوایی باور ۳۷۳ که با حضور فرماندهان عالی رتبه نیروهای مسلح در دانشگاه پدافند هوایی خاتم‌الانبیاء(ص) برگزار شد، گفت: قرارداد خرید سامانه اس ۳۰۰ در سال ۲۰۰۴ منعقد شد و طبق آن، مقرر شد که این سامانه در سال ۲۰۰۹ به جمهوری اسلامی ایران تحویل شود. امیرسرتیپ علیرضا صباحی فرد افزود: مهرماه سال ۱۳۸۷ تیم عملیاتی ایران که متخصصانی از وزارت دفاع و قرارگاه پدافند هوایی خاتم‌الانبیا برای آموزش نحوه کار با سامانه S-۳۰۰ به مدت ۶ ماه به روسیه اعزام شدند. اما به علت شیطنت‌های رژیم تروریستی آمریکا و برخی ابرقدرت‌ها و فشارهای رژیم منحوس صهیونیستی این سامانه به ما واگذار نشد، حتی به مرحله‌ای رسید که گفته شد قرارداد آن هم باید ملغی شود. البته با پیگیری‌های بین‌المللی در آن زمان، این سامانه پس از ۱۰ سال به ما واگذار شد.

مرتضی مبلغ در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

درخواست نخبگان، اصلاحات واقعی است

- اگر به هشدارهای اصلاح‌طلبان توجه می‌شد جامعه با بحران مواجه نمی‌شد
- دستگاه‌های حاکمیتی باید در زمان مناسب دست به اصلاحات می‌زدند
- شکاف نسلی در جامعه به گسل تبدیل شده است
- میزان نارضایتی از وضعیت اقتصادی بالاست

آرمان ملی - احسان انصاری: با توجه به چالش‌های داخلی و خارجی امروز در جامعه ایران ما در آینده با چه چشم‌اندازی مواجه هستیم؟ راه‌حل برون‌رفت از بحران کنونی جامعه چیست؟ نخبگان و جریان‌های سیاسی چه نقشی می‌توانند در برون‌رفت از این بحران ایفا کنند؟ «آرمان ملی» برای پاسخ به این سوالات و تحلیل ریشه‌های اعتراضات اخیر با مرتضی مبلغ، فعال سیاسی اصلاح‌طلب گفت‌وگو کرده است. مبلغ معتقد است: «مسئولان تصمیم‌گیر جامعه باید این واقعیت را درک کنند که حاکمیت هیچ سرمایه و ابزاری جز پشتیبانی و حمایت مردم برای حل مشکلات نمی‌تواند داشته باشد. تردید نداشته باشید که اگر این سرمایه از دست برود مخاطرات زیادی در آینده متوجه حاکمیت و کشور خواهد شد. راهکارها برای عبور از بحران کنونی نیز مشخص است و بارها عنوان شده است. ما نیاز به اصلاح واقعی و فوری در برخی ساختارها، رویکردها و سیاست‌ها در عرصه‌های مختلف داریم.»در ادامه ماحصل این گفت‌وگو را می‌خوانید.

چه عواملی در شکل گیری اعتراضات اخیر نقش داشت؟ این اعتراضات چه تفاوت‌هایی با اعتراضات گذشته داشت؟

در شکل گیری اعتراضات اخیر ترکیبی از عوامل خارجی و عوامل اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی نقش داشته‌اند. با این وجود وجه غالب این اعتراضات به دلایل اجتماعی و فرهنگی بازمی‌گردد. نکته دیگری که در این زمینه وجود دارد تقسیم جامعه به خودی و غیرخودی است. این شرایط باعث می‌شود عده‌ای میدان‌دار شوند و در مقابل بخشی از جامعه از روند تصمیم گیری در جامعه دور شوند. دلیل دیگری که مسبب وضعیت موجود بوده بسته شدن تدریجی کانال‌هایی است که اقشار مختلف مردم بتوانند مطالبات خود را مطرح کنند. به خصوص در موضوع حق اعتراض که سال‌هاست درباره آن بحث می‌شود، اما تاکنون اقدامی در این زمینه صورت نگرفته است. اتفاق دیگری که در سال‌های اخیر رخ داده به حاشیه رفتن برخی نخبگان فکری، سیاسی و اجتماعی از عرصه اثرگذاری بوده است. به تبع این وضعیت احزاب و تشکل‌ها که وظیفه ایجاد تعادل بین حاکمیت و مردم را داشتند با موانعی مواجه شدند. نکته دیگر تن ندادن دستگاه‌های حاکمیتی به اصلاحات در زمان خود بوده است. این عوامل سبب تکثیر و انباشت نارضایتی‌ها شده و به صورت طبیعی این نارضایتی‌ها نیز در زمانی که فرصت پیدا کند بروز و ظهور بیرونی پیدا می‌کند. در سال‌های اخیر برخی از فضاهای مدنی، فرهنگی و آموزشی به شکل‌های مختلف امنیتی شده‌اند. این موضوع نیز در شکل گیری اعتراضات اخیر نقش داشته است. در زمینه سیاست خارجی نیز در سال‌های اخیر نه تنها سیاست‌های تعاملی با کشورهای جهان در پیش گرفته نشده، بلکه برخی تصمیماتی که از سوی دولت‌ها و مجالس گرفته شده زمینه تشدید تنش‌های بین‌المللی را نیز فراهم کرده است. مهم‌ترین وجه تمایز اعتراضات اخیر با اعتراضات گذشته این است که در اعتراضات اخیر برخلاف اعتراضات گذشته که عمدتا اقتصادی بود دلایل فرهنگی و اجتماعی و برخی نادیده گرفته شدن‌های مدنی و فرهنگی نقش تعیین کننده‌ای داشته است.

> تحولاتی که در هر جامعه‌ای رخ می‌دهد به صورت طبیعی بین نسل‌های جدید و نسل‌های گذشته شکاف ایجاد می‌کند. این وضعیت در همه جوامع رخ می‌دهد و مختص جامعه ایران نیست

رفتارشناسی نخبگان در اعتراضات اخیر به چه صورت بود؟ آیا نخبگان به خوبی به درک واقعیت‌های جامعه اهتمام داشتند؟

نخبگان جامعه سال‌هاست در مقابل جامعه رسالت خود را انجام داده و می‌دهند. نخبگان همواره با هشدارها و توصیه‌هایی که نسبت به مدیریت کشور داشته‌اند حساسیت خود را نسبت به تحولات جامعه نشان داده‌اند. البته برخی از نخبگان در دیر متوجه واقعیت‌های جامعه می‌شوند و یا اینکه ملاحظه بیش از اندازه اجازه کنشگری موثر به آنها نمی‌دهد. اگر چه برخی از این نخبگان نیز مدت‌هاست متوجه واقعیت‌های جامعه شده و رسالت خود را انجام می‌دهند. نکته مهمی که در این زمینه وجود دارد این است که نخبگان در شرایط بحرانی مانند اعتراضات اخیر با دشمنان قسم خورده کشور نیز مواجه هستند. به هر حال این دشمنان پس از وقوع چنین اتفاقاتی اتاق فکر تشکیل می‌دهند و با به راه انداختن جنگ روانی تلاش می‌کنند به اهداف خود دست پیدا کنند. نخبگان دلسوز همه این شرایط را رصد می‌کنند. بدون تردید اگر خلاقیت و ابتکار عمل وجود داشته باشد و برخی تندروها میدان داری نکنند کار نخبگان و صاحب نظران راحت‌تر است. در شرایط کنونی دیدگاه نخبگان جامعه این است که اگر حاکمیت دست به اصلاحات واقعی بزند قطعا بسیاری از مشکلات مرتفع خواهد شد و زمینه بسیاری از این نارضایتی‌ها از بین می‌رفت. متأسفانه این اتفاق تاکنون رخ نداده و ما امیدواریم این اتفاق در آینده رخ بدهد.

نوع کنشگری جریان اصلاحات نسبت به اعتراضات اخیر نشانگر چه مسائلی است؟ آیا با توجه به پایگاه اجتماعی جریان‌های سیاسی اصلاح‌طلبان از تأثیرگذاری لازم در چنین شرایطی برخوردار هستند؟

اصلاح‌طلبان سال‌هاست که نسبت به ناکارآمدی‌ها و سیاست‌های اشتباه هشدار داده و با تحلیل مسائل و ارائه راه‌حل، کنشگری کرده‌اند. بدون تردید اگر به هشدارهای اصلاح‌طلبان در زمینه‌های فرهنگی، مدنی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی توجه می‌شد کار به اینجا کشیده نمی‌شد و جامعه با بحران مواجه نمی‌شد. البته نقدی که به جریان اصلاحات وارد است کم کاری در برخی زمینه‌ها بوده که این نقد در درون جریان اصلاحات نیز مطرح است با این وجود در شرایط کنونی اصلاح‌طلبان شناخته شده و پیشروو وظایف خود را انجام داده‌اند. اصلاح‌طلبان راه‌های مختلفی برای حل مشکلات کشور ارائه کرده‌اند که مورد توجه قرار نگرفته است. از سوی دیگر جامعه نیز راه‌های زیادی را برای تحقق مطالبات خود انتخاب کرده و هر کدام را تجربه کرده است. با این وجود به دلیل اینکه برخی دستگاه‌های حاکمیتی دچار تعصب نسبت به برنامه‌ها و باورهای خود هستند و به اصلاحات واقعی دست نزدند، به همین دلیل نیز برخی اقشار جامعه به خیابان‌ها آمدند و مطالبات خود را مطرح کردند. کسانی که به خیابان‌ها آمده‌اند امید خود را برای اصلاح‌طلبان در کشور از دست داده‌اند. در شرایط کنونی جریان اصلاحات با دو گزینه به هم ریختگی اجتماعی و انجام اصلاحات مواجه است. اصلاح‌طلبان باید از یک طرف مطالبات مردم را نمایندگی کنند و از سوی دیگر حاکمیت را برای اصلاحات واقعی و در راستای مطالبات مردم متقاعد کنند. در شرایط کنونی باید این واقعیت را درک کنیم که راهی جز اصلاحات واقعی وجود ندارد و اگر این اصلاحات صورت نگیرد ممکن است اتفاقات تلخی برای کشور به وجود بیاورد که فرصت را برای دشمنان قسم خورده این کشور فراهم خواهد کرد.

به چه میزان شکاف نسلی را در اعتراضات اخیر موثر می‌دانید؟

تحولاتی که در هر جامعه‌ای رخ می‌دهد به صورت طبیعی بین نسل‌های جدید و نسل‌های گذشته شکاف ایجاد می‌کند. این وضعیت در همه جوامع رخ می‌دهد و مختص جامعه ایران نیست. در چنین شرایطی خود ایجاد نکرده‌اند. به همین دلیل نیز شکاف‌های نسلی در جامعه ایران به گسل تبدیل شده است. به همین دلیل یکی از دلایل اعتراضات اخیر را باید در موضوع شکاف نسلی مورد تحلیل قرار داد. واقعیت این است که برخی از مدیران در دنیای گذشته و افکار خود درگیر هستند. این در حالی است که نسل جدید با تحولات عظیمی مواجه شده‌اند و اهداف و آرمان‌های جدیدی پیدا کرده‌اند.

یکی از اتفاقاتی که در اعتراضات اخیر رخ داد تبدیل شدن دوباره دانشگاه‌ها به مکانی برای بیان مطالبات مدنی و سیاسی بود. این در حالی بود که در سال‌های اخیر دانشگاه‌ها دچار رخوت شده بودند. ارزیابی شما از این موضوع چیست؟

دانشگاه‌ها همواره یکی از کانون‌های تأثیرگذار فرهنگی، مدنی و سیاسی در جامعه ایران بوده‌اند. در سال‌های اخیر به دلیل فضایی که در دانشگاه‌ها وجود داشت تا حدود زیادی تأثیرگذاری دانشگاه‌ها نسبت به گذشته کمتر شده بود. این سخن به معنای این است که تأثیرگذاری دانشگاه‌ها بر مناسبات مدنی و سیاسی جامعه با توجه به بسته یا باز بودن فضای سیاسی دانشگاه‌ها در نوسان قرار داشته است.

به صورت طبیعی هر زمان فضای آزاد و با نشاط در دانشگاه وجود داشته باشد به همان اندازه میزان تأثیرگذاری دانشگاه‌ها در زمینه بیان مطالبات مدنی و سیاسی جامعه افزایش پیدا خواهد کرد و در مقابل اگر فضای امنیتی و حراستی بر دانشگاه‌ها حاکم شود محیط دانشگاه‌ها با رکود و رخوت مواجه خواهد شد. دانشگاه‌ها همواره کانون بالندگی فکری و علمی و تحولات سازنده اجتماعی بوده‌اند. کلیشه‌ای و دستوری کردن فضای دانشگاه‌ها، ستاره‌دار کردن دانشجویان و بازنشسته کردن برخی از اساتید دانشگاه و تحمیل اندیشه‌های بیرونی بر فضای دانشگاه‌ها با صورت طبیعی فضای دانشگاه‌ها را در کوتاه مدت به ابتغال می‌کشاند.

> نقدی که به جریان اصلاحات وارد است کم کاری در برخی زمینه‌ها بوده که این نقد در درون جریان اصلاحات نیز مطرح است

از زیابی شما از نوع برخوردی که با معترضان صورت گرفت چیست؟ آیا این نوع برخورد را قانع کننده می‌دانید؟

اساسی‌ترین مشکل در نحوه برخورد با معترضان است که صرفا با رویکرد و ابزارهای انتظامی برخورد می‌شود. این موضوع نه تنها باعث حل شدن مسئله نمی‌شود، بلکه آن را تشدید و تعمیق می‌کند. این وضعیت در واقع مانند پنهان کردن آتش زیر خاکستر است. شاید در کوتاه مدت شعله‌های آتش زیر خاکستر پنهان شود اما به مرور زمان با شدت بیشتر در آینده بروز و ظهور پیدا خواهد کرد. برای مواجهه با اعتراضات باید سیاست‌ها و تدبیرهای هوشمندانه سیاسی در پیش گرفته شود تا بتوان این بحران را کنترل کرد. عجیب به نظر می‌رسد که برخی ابتدایی‌ترین رفتار برای جلب اعتماد و حرکت جامعه به سمت آرامش را رعایت نمی‌کنند. مسائلی مانند پذیرش خطاها، عذرخواهی از خطاها، پرهیز از سخنان نسنجیده، استفاده از نظرات اندیشمندان و صاحب نظران از جمله عواملی است که می‌تواند در شرایط کنونی به آرامش جامعه کمک کند. این در حالی است که گاهی سخنان نسنجیده‌ای از برخی مسئولان شنیده می‌شود که نه تنها به آرامش جامعه کمک نمی‌کند، بلکه مانند نمک روی زخم پاشیدن است.

> نخبگان در شرایط بحرانی مانند اعتراضات اخیر با دشمنان قسم خورده کشور نیز مواجه هستند. به هر حال این دشمنان پس از وقوع چنین اتفاقاتی اتاق فکر تشکیل می‌دهند و با به راه انداختن جنگ روانی تلاش می‌کنند به اهداف خود دست پیدا کنند

راهکار شما برای عبور از بحران کنونی چیست؟

در شرایط کنونی کشور با چالش‌های درونی و بیرونی مواجه است. در داخل با گروه‌های تندرو مواجه هستیم که درک صحیحی از تحولات جامعه ندارند. از سوی دیگر با برخی مدیران کم تجربه مواجه هستیم. این در حالی است که دشمنان قسم خورده کشور و مردم در چنین شرایطی عزم خود را برای آسیب رساندن به کشور و مردم جزم کرده و با تحریم‌های ناجوانمردانه، موج سواری بر اعتراضات داخلی، انواع فشارهای سیاسی، اقتصادی و دیپلماتیک عرصه را بر همگان تنگ کرده‌اند. محصول این رویکردها به وجود آمدن شرایط سخت و چالش‌های جدی در جامعه ایران بوده است. نظرسنجی‌های نهادهای رسمی در کشور نارضایتی‌های مردم در زمینه‌های اقتصادی بالای ۸۰ درصد برآورد کرده‌اند. مسئولان تصمیم گیر جامعه باید این واقعیت را درک کنند که حاکمیت هیچ سرمایه و ابزاری جز پشتیبانی و حمایت مردم برای حل مشکلات نمی‌تواند داشته باشد. تردید نداشته باشید که اگر این سرمایه از دست برود مخاطرات زیادی در آینده متوجه کشور خواهد شد. به همین دلیل راهی جز ایجاد رضایت درونی وجود ندارد. راهکارها برای عبور از بحران کنونی نیز مشخص است و بارها عنوان شده است. ما نیاز به اصلاح واقعی و فوری در برخی ساختارها، رویکردها و سیاست‌ها در عرصه‌های مختلف داریم. اگر در سال‌های گذشته که هشدارهای زیادی داده می‌شد برخی اصلاحات لازم انجام شده بود ما امروز با انباشتی از مشکلات مواجه نبودیم. بدون تردید اگر امروز نیز به این هشدارها توجه نکنیم در آینده با چالش‌های جدی‌تری مواجه خواهیم بود.

نگـــــره

چرا از سلبریتی‌های هالیوود تا بادیه‌نشینان خلیج‌فارس به صف شدند؟

تعارف کنار گذاشته شده و ماهیت آهنین سیاست‌های آمریکا در قبال جمهوری اسلامی ایران در اظهارات مشاور سابق امنیت ملی کاخ سفید و برخی آتش بیاران اعتراضات اخیر، اعلام و روشن می‌شود که آمریکا و متحدانش به‌طور دقیق در حال اجرای چه پلنی برای ایران هستند. واقعیت‌های موجود در عرصه روابط بین‌الملل، ماهیت اقدامات و انگیزه تصمیمات کشورها با تمام پیچیدگی‌های آن، در مقاطع زمانی بسیاری برای مردم و مسئولان جمهوری اسلامی، پوشیده نبوده است، اما اعلام و اذعان روشن و واضح آن از سوی عاملان و آمران این سیاست‌ها به نوعی حقانیت نگاه همیشه مشکوک ایران به نیت آنها در ۴ دهه گذشته بوده است.

پلن B تیم بی‌بی

کنار هم گذاشتن رویدادهای اخیر داخل و خارج از ایران و نگاهی دقیق به آن، می‌تواند رمزگشای بسیاری از پیچیدگی‌های این روزها باشد. اگر برای شما هم سوال است که چرا مرگ یک دختر ایرانی برای جهانی که سال‌ها در برابر مرگ ایرانیان بر اثر ترور، جنگ و تحریم سکوت کرده بود، مهم شد؟ یا چرا از سلبریتی‌های هالیوود تا بادیه‌نشینان حاشیه خلیج فارس، بیانیه صادر و اعلام موضع کردند؟ یا چرا هر اقدام نیروهای نظامی و انتظامی ایران در واکنش به پرتاب کوکتل مولوتف‌های دست‌ساز، به جنایت تعبیر شد؟! یا چرا یکباره سران گروه‌های تروریستی اطراف ایران به تکاپو افتادند و در پی برگزاری جلسات متنوع از این پایتخت به آن پایتخت اروپایی رفتند؟ یا چرا کشورهای تازه به دوران رسیده، کاوس‌های شوم خود را علیه تمامیت ارضی ایران به زبان می‌آورند؟ برای پاسخ به این چراها، بهتر است ابتدا همین جملات کوتاه جان بولتون، مشاور پیشین امنیت ملی کاخ سفید را بخوانیم. «مخالفان در ایران با سلاح‌هایی که از پایگاه‌های نظامی و از نقاطی در کردستان عراق وارد می‌شود، مسلح شده‌اند.» اذعان روشن، واضح و رسمی بولتون! یکی از اعضای تیم B، گروهی که با عضویت بنیامین نتانیاهو و یکی از شیوخ حاشیه‌نشین خلیج فارس پس از روی کار آمدن دونالد ترامپ و با هدف فشار حداکثری علیه جمهوری اسلامی ایران رسما وارد عمل شد، کارزار تحریمی این گروه علیه مردم ایران به گفته نهادهای بین‌المللی، دشوارترین تحریم‌های ممکنی بود که می‌توانست علیه مردمی اعمال شود. اظهارات بولتون آن هم زمانی که دیگر B این تیم یعنی بنیامین نتانیاهو بار دیگر به عرصه قدرت در تل آویو بازگشته و شیخ عرب جای خود را به بن سلمان سعودی داده؛ همان پازلی است که پس از کنار هم قرار گرفتن، درصدد اجرای پلن B کاخ سفید علیه جمهوری اسلامی خواهند بود.

چرایی و چگونگی اجرای پلن B

گزینه یا طرح دوم، در ادبیات پیدا و پنهان مقامات آمریکایی، سال‌هاست که تکرار می‌شود. هم باراک اوباما و هم رؤسای جمهور پس از او مدعی وجود همه گزینه‌ها روی میز بوده و هستند و پلن B هم یکی از آن گزینه‌هاست که در برهه‌های زمانی مختلف و متناسب با رویدادهای داخل و خارج ایران تغییر می‌کند و به نظر می‌رسد این بار پلن B آمریکا با رنگ و بوی اشوب در داخل ایران همراه است. موضوعی که «حسین امیرعبداللهیان» وزیر امور خارجه هم در حاشیه نشستن نشست هفت‌جانبه گشت‌های گروه دوستان دفاع از منشور ملل متحد در جریان پاسخ به سؤالات برجامی خبرنگاران، اشاره‌ای ضمنی به این موضوع کرد و گفت: «برای ما کاملا روشن است که در دو دهه گذشته آمریکایی‌ها در عراق، افغانستان و برخی کشورها چه اقدامی را انجام دادند. از آن‌ها این نیت را داشتند، از مدت‌ها پیش گفته بودند که آمریکا پلن B را دنبال می‌کند. آنچه را که ملت عزیز ما در چهل و چند روز گذشته شاهد بودند همه پلان B بود که آمریکایی‌ها می‌خواستند دنبال کنند و بحمدا... در این مسیر با بصیرت ملت و هدایت مقام معظم رهبری شکست خوردند.» واقعیت آن است که تیم B از همان روزهای رسمی شدن تشکیل و تصمیمش، با انگیزه نابودی جمهوری اسلامی ایران فعالیت کرد. ابزار ابتدایی تحریم‌های حداکثری علیه ایران بود، این تحریم گرچه زندگی ایرانیان را در تحت تأثیر قرار داد و حتی از دستیابی آنها به دارو هم ممانعت کرد اما در عمل نتوانست منجر به فروپاشی شود. پس لازم بود تغییر تاکتیک و نه استراتژی، صورت گیرد و پوشش زمخت جمهورخواهان با پوشش لطیف دموکرات‌ها عوض شد و شعار بازگشت به برجام و مذاکره در بوق و کرنا شد. چندین ماه مذاکرات فشرده انجام شد اما چون استراتژی همان بود، نتیجه‌ای حاصل نشد. ایران از این مذاکرات، لغو تحریم‌های غیرقانونی را می‌خواست و این خواست آمریکا نبود. ایران زیر بار تضمین‌های غیرقابل آزمون کاخ سفید نرفت و مذاکرات از سوی واشنگتن تعلیق شد. همزمان با این تعلیق، اعتراضات ایران بهانه تازه‌ای به آمریکا داد تا تغییر تاکتیک در پی اجرای پلن B خود باشد. حمایت علنی، مدوام و عملی آمریکا و اروپا از اغتشاشگران گرچه میرهن بود اما خط دهی تازه و روشن بولتون به اغتشاشگران برای مسلح شدن، از اغاز اجرای همین پلن خبر می‌داد. در پلن طراحی شده، آمریکا و متحدانش یکی از مهم‌ترین اهداف تاریخی خود را در قبال ایران پی می‌گیرند و آن تجزیه ایران و پاره پاره کردن حق و هویت ایرانیان است. در هیاهوی رسانه‌ای و پروپاگاندای اینترنشنال و بی‌بی‌سی زبان‌های خارج از ایران، این جمله محمدبن سلمان نباید فراموش شود که صریحا اعلام کرده بود، جنگ را به داخل مرزهای ایران می‌کشانیم. کشیده شدن جنگ و آشوب به درون ایران و امنیت زدایی از شهرها و روستاها، قدرت رسیدگی به ایرادات و اشکالات و اصلاح رویه‌ها را از نظام سیاسی ایران می‌گیرد و جمهوری اسلامی ایران در برابر رقیب دیرینه خود در منطقه ضعیف می‌شود. به همین دلیل است که میلیون‌ها دلار در مسیر اسناد سیاسی و اجتماعی در ایران از سوی همین رقیب و در قامت اسنود پوهای خبری و پست های اینستاگرامی هزینه می‌شود. و به همین دلیل است که اینترنشنال در ۵۰ روز گذشته با ۲۵ تن از سرکرده‌های تجزیه‌طلب ایران ۱۲۰ بار گفت‌وگو کرده است. با بسیاری از کارشناسان عبری-عربی صریحا و بدون هیچ لکنتی از ضرورت تجزیه ایران در رسانه های خود سخن می گویند و به طور واقع انگیزه های دشمنان ایران را بیان می کنند.

علی صوفی در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

حمایت از اصلاح‌طلبان به اصلاحات منجر نشد

- مردم از اصلاح‌طلبان فاصله گرفتند نه از اصلاح‌طلبی

آرمان ملی: جمله کوتاه «اصلاحات مرد، زنده باد اصلاحات» جمله‌ای بود که سیدحمید حجاریان در اولین سالی که جریان اصلاحات قدرت را به محمود احمدی‌نژاد واگذار کرده بود، در ارتباط با جریان اصلاح‌طلبی اعلام کرد. بعدها زمانی که او محمدخاتمی را ملاقات کرد، در پاسخ به جمله دیگری از سعید حجاریان که گفته بود «خاتمی اصلاحات را در تابوت گذاشت و خود میخ آن را کوبید» اعلام کرد: باید میخ‌های تابوت اصلاحات را خارج کنیم. محمد خاتمی نه به کنایه بلکه به واقعیت به حجاریان اعلام کرد اصلاحات نمرده است. سوالی که اکنون بعد از حاشیه‌نشینی اصلاح‌طلبان و وقوع وقایع دو ماه گذشته مطرح می‌شود این است که آیا اصلاح‌طلبی و اصلاح‌طلبان هنوز دارای جایگاهی در نظر مردم هستند. صوفی در این ارتباط به «آرمان‌ملی» گفت: واقعیت آن است که اگر اصلاح‌طلبان را مرده بپنداریم اما اصلاح‌طلبی نه!

با توجه به وقایع اخیر تفکر اصلاح‌طلبی هنوز جایگاهی در نزد مردم دارد؟

زمانی که از اصلاح‌طلبی سخن می‌گوییم، باید دو موضوع را از هم تفکیک کنیم، اولی جریان اصلاح‌طلبی به عنوان یک اندیشه و تفکر و یک جریان سیاسی تاثیرگذار در گذشته که از نظر اجتماعی و سیاسی ضروری است و دومی اصلاح‌طلبان هستند. این دو مورد باید از هم تفکیک شود تا بتوان به تحلیل درستی رسید. اکنون موقعیت اصلاح‌طلبان نسبت به گذشته تغییر کرده است. اصلاح‌طلبان پشتوانه‌ای جز مردم ندارند. آنها برای احقاق حقوق مردم در نظام که در قانون اساسی به عنوان حقوق اساسی تصریح شده است، تلاش می‌کنند. در طول چند دهه گذشته اصلاح‌طلبان تلاش کردند از جمهوریت نظام یعنی رأی مردم دفاع کنند و موانع بیشتر و تحقق جمهوریت را شناسایی کرده و آن موانع را از پیش پای مسیر توسعه کشور بردارند. اصلاح‌طلبان بزرگ‌ترین ابزار تحقق حاکمیت مردم بر سرنوشت خود یعنی انتخابات را پاسداری کرده و تلاش داشتند رقابت‌های انتخاباتی توام با رقابت و بر اساس مر قانون و عدالاته برگزار شود. این مورد راهبرد اصلاح‌طلبان بود و گفتمان اصلاح‌طلبی در این معنا و مفهوم توانست در بین مردم جا باز کند. از سال ۷۶ به این سو به‌طور مشخص مردم با این جریان به این جریان یاد کردند و این جریان عموما مورد پذیرش مردم قرار گرفت. این جریان در سال ۱۳۷۶ توسط سیدمحمد خاتمی نمایندگی شد و مردم از وی حمایت کردند و در مجلس ششم و هجرا فرصتی بود به حمایت خود ادامه دادند.

> اگرچه اصلاح‌طلبان مرده‌اند اما تفکر اصلاح‌طلبی که دارای ریشه‌های عمیق در تاریخ است از انقلاب مشروطه آغاز شده، زنده است

این حمایت همواره وجود داشته است یا اینکه شخص محمد خاتمی مورد پذیرش مردم بوده نه اصلاح‌طلبان؟

مردم همواره هر روزه‌ای را در جهت بیان مطالباتشان مشاهده کردند، به سمت آن متمایل شدند. کما اینکه در سال ۱۳۹۲ به همین علت از روحانی حمایت کرده در سال ۱۳۹۶ به لیست امید رأی دادند و در انتخابات ۱۳۹۸ نیز مجدد به صحنه آمده و از کاندیدای جریان اصلاحات حمایت کردند اما از این تاریخ به بعد مردم احساس کردند که حمایت آنها از نامزدهای اصلاح‌طلب به اصلاحات در کشور منجر نشده است. تفکر اصلاح‌طلبی جذابیت داشته که مردم به سمت آن متمایل شدند اما چون اصلاح‌طلبان نتوانستند موقعیت خود را در حاکمیت تثبیت کرده در این معنا که این تفکر در عرصه سیاست حضور موثر داشته باشد، از این منظر اصلاح‌طلبان آسیب دیدند. البته این موضوع بود که مردم نخواهند به سخنان اصلاح‌طلبان گوش کنند. از این رو مردم از اصلاح‌طلبان فاصله گرفتند و نه از اصلاح‌طلبی. امروز بخش معترض جامعه به منظور بهبود شرایط اعتراض می‌کند و این یعنی اصلاح‌طلبی نه است و از عرصه اندیشه سیاسی حذف نخواهد شد.

اصلاح‌طلبان با حمایت از دولت دوازدهم و موانعی که بر سر راه آن دولت در بعد داخلی و خارجی ایجاد شد، متضرر شدند. آیا امکان دارد بار دیگر رجوعی به جریان اصلاحات از سوی مردم صورت بگیرد؟

اصلاح‌طلبان فرصتی پیدا نکرده‌اند که مجددا در معرض رأی مردم قرار گیرند. در حال حاضر هم که جبهه اصلاح‌طلبان، اصلاح‌طلبی را نمایندگی می‌کند اما این نمایندگی برای مردم پذیرفتنی نیست. مواضع جبهه اصلاحات به عنوان مواضع اصلاح‌طلبانه ناب در بین مردم جاینفتاده است. حتی بیانیه اخری هم که جبهه اصلاحات صادر کرده آنچنان که باید مورد استقبال مردم واقع نشده است. بنابراین جریان و تفکر اصلاح‌طلبی نماینده واقعی ندارد که در کنار مردم قرار گیرد. البته عده‌ای اصلاح‌طلب هستند و بنده به عنوان دبیرکل حزب پیشروی اصلاحات تا چه میزان بتوانم در کنار مردم باشم، جای اما و اگر دارد. ضمن اینکه در شرایط فعلی و با توجه به موانعی دست و پای احزاب اصلاح‌طلب بسته است. اصلاح‌طلبان و